

به نام یزدان پاک

همه سوال های

دکترای تخصصی (Ph.D)
زبان و ادبیات فارسی
۱۴۰۴-۱۴۰۵

گردآورندگان
گروه مولفین پردازش

فهرست مطالب

پیش گفتار ۷

آزمون دکترای زبان و ادبیات فارسی ۱۴۰۴

زبان عربی ۱۱

پاسخ نامه زبان عربی ۱۴

کلیات ادبی ۲۵

پاسخ نامه کلیات ادبی ۲۷

بلاغت ۴۴

پاسخ نامه بلاغت ۴۵

متون نظم - متون نثر ۴۸

پاسخ نامه متون نظم - متون نثر ۵۴

آزمون دکترای زبان و ادبیات فارسی ۱۴۰۵

زبان عربی ۸۳

پاسخ نامه زبان عربی ۸۶

کلیات ادبی ۹۶

پاسخ نامه کلیات ادبی ۹۹

بلاغت ۱۱۳

پاسخ نامه بلاغت ۱۱۴

متون نظم - متون نثر ۱۱۷

پاسخ نامه متون نظم - متون نثر ۱۲۳

منابع ۱۵۱

جدول ۱: توزیع فراوانی موضوعی سؤالات دکتری زبان و ادبیات فارسی (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)

حوزه اصلی / مبحث فرعی	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵	مجموع	درصد فراوانی
۱. زبان عربی	۲۰	۲۰	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۰۰	۱۹.۲۳٪
ترجمه و تعریف	۹	۹	۸	۶	۸	۵	۴۵	۸.۶۵٪
اعراب، تحلیل صرفی و ضبط حرکات (تشکیل)	۷	۶	۴	۵	۳	۶	۳۱	۵.۹۶٪
قواعد و نحو تخصصی عربی	۴	۵	۳	۴	۴	۴	۲۴	۴.۶۲٪
۲. کلیات ادبی و دستور زبان فارسی	۱۴	۱۴	۱۱	۱۰	۱۰	۱۰	۶۹	۱۳.۲۷٪
دستور زبان و زبان‌شناسی تاریخی	۵	۶	۳	۵	۵	۵	۲۹	۵.۵۸٪
تاریخ ادبیات، کتب و متون کلاسیک	۵	۴	۳	۳	۲	۳	۲۰	۳.۸۵٪
ادبیات معاصر (داستان، شعر نو و احوال معاصران)	۴	۴	۵	۲	۳	۲	۲۰	۳.۸۵٪
۳. عروض و قافیه	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۳۰	۵.۷۷٪
تقطیع، بحر و زحافات عروضی	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۱۸	۳.۴۶٪
قواعد، حروف و عیوب قافیه	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۱۲	۲.۳۱٪
۴. نقد و نظریه‌های ادبی معاصر	۶	۶	۴	۵	۵	۵	۳۱	۵.۹۶٪
مکاتب ادبی و نظریه‌های نقد نو، فرمالیسم و روایت‌شناسی	۳	۳	۲	۳	۲	۳	۱۶	۳.۰۸٪
نقد روانکاوانه، ساختارگرایی و نشانه‌شناسی	۳	۳	۲	۲	۳	۲	۱۵	۲.۸۸٪
۵. بلاغت (معانی، بیان، بدیع)	۱۰	۱۰	۵	۵	۵	۵	۴۰	۷.۶۹٪
علم بیان (تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه)	۵	۵	۳	۲	۳	۲	۲۰	۳.۸۵٪
علم معانی (اغراض ثانویه کلام، ایجاز و اطناب، قصر، فصل و وصل)	۳	۳	۱	۲	۱	۲	۱۲	۲.۳۱٪
علم بدیع لفظی و معنوی (ایهام، حسن تعلیل، اسلوب معادله و...)	۲	۲	۱	۱	۱	۱	۸	۱.۵۴٪
۶. متون نظم فارسی	۲۴	۲۴	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۱۲۸	۲۴.۶۲٪
متون حماسی و اساطیری (شاهنامه)	۳	۳	۲	۱	۱	۱	۱۱	۲.۱۲٪

حوزه اصلی / مبحث فرعی	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵	مجموع	درصد فراوانی
فردوسی)								
متون عرفانی و تعلیمی (حدیقه، مثنوی معنوی، منطق الطیر)	۹	۹	۸	۹	۸	۹	۵۲	۱۰.۰۰٪
قصاید و متون دشوار سبک خراسانی و آذربایجانی (خاقانی، ناصر خسرو، انوری، مسعود سعد)	۸	۸	۶	۶	۷	۶	۴۱	۷.۸۸٪
شعر غنایی و سبک هندی (سعدی، حافظ، صائب، بیدل)	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۲۴	۴.۶۲٪
۷. متون نثر فارسی	۲۱	۲۱	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۱۲۲	۲۳.۴۶٪
نثر ساده و بینابین (تاریخ بیهقی، قابوس نامه، چهارمقاله، سیاست نامه)	۵	۵	۵	۴	۴	۴	۲۷	۵.۱۹٪
نثر مصنوع و فنی (کلیله و دمنه، مرزبان نامه، جهانگشای جوینی، نفثة المصطور، عتبة الکعبة)	۱۰	۱۰	۹	۱۱	۱۱	۱۱	۶۲	۱۱.۹۲٪
نثر عرفانی (کشف المحجوب، تذکرة الاولیاء، رساله قشیریه، مرصاد العباد)	۶	۶	۶	۵	۵	۵	۳۳	۶.۳۵٪
مجموع سؤالات سال	۱۰۰	۱۰۰	۸۰	۸۰	۸۰	۸۰	۵۲۰	۱۰۰٪

گزارش تحلیلی و راهبردی آزمون ورودی دکتری

تحلیل روندها و ساختار آزمون: ساختار دفترچه سؤالات از سال ۱۴۰۲ با اصلاحاتی از ۱۰۰ سؤال به ۸۰ سؤال تعدیل گردید و بخش بندی استاندارد پنج گانه ای شامل عربی (۱۵ سؤال)، کلیات ادبی و دستور (۱۰ سؤال)، عروض و قافیه (۵ سؤال)، نقد و نظریه های ادبی (۵ سؤال)، بلاغت (۵ سؤال) و متون نظم و نثر (۴۰ سؤال؛ هر کدام ۲۰ سؤال) تثبیت شد. ثبات ضریب و تفکیک منظم پرسش ها نشان دهنده یک الگوی کاملاً ساختارمند در سال های اخیر است.

معرفی مباحث کلیدی و اولویت دار:

- **متون نظم و نثر فارسی (بیش از ۴۸٪ کل آزمون):** تسلط بر متون مصنوع (به ویژه کلیله و دمنه، مرزبان نامه و نفثة المصطور) و متون عرفانی منظوم (مثنوی معنوی و حدیقة الحقیقه) بالاترین وزن نمره آوری را داراست.
- **زبان عربی (حدود ۱۹٪ کل آزمون):** محورهای ترجمه، تعریب، اعراب و ساختارهای ترکیبی به ویژه در ارتباط با متون ادبی کهن، بیشترین فراوانی را دارند.
- **نقد ادبی و بلاغت تخصصی:** تمرکز سؤالات سال های اخیر از حفظ اصطلاحات ساده به سمت تحلیل نظریه های معاصر (روایت شناسی، فرمالیسم، نشانه شناسی و روانکاوی لاکانی) و نیز شناخت اغراض ثانویه معانی و ایهام های چندلایه در بیان و بدیع معطوف شده است.

توصیه های راهبردی برای داوطلبان:

۱. تمرکز اصلی بر خوانش دقیق و ریشه ای متون نثر فنی و مصنوع (تسلط بر واژگان دیرپاب، کنایات و امثال عربی مندرج در متن) گذاشته شود.
۲. مطالعه متون عرفانی و دیوان های قصاید سبک آذربایجانی و خراسانی همراه با رمزگشایی از اصطلاحات نجومی و کلامی در اولویت قرار گیرد.
۳. در بخش عربی، تمرکز روی ابواب مزید، اعراب جمله ها و معادل یابی اصطلاحات ادبی و قرآنی معطوف شود.

مقدمه تحلیلی: نقشه راه و تحلیل راهبردی روند آزمون‌های دکترای زبان و ادبیات فارسی (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)

آزمون دکتری تخصصی زبان و ادبیات فارسی در گذر زمان دستخوش دگرگونی‌های ساختاری و محتوایی معناداری شده است. تحلیل طولی پرسش‌های شش دوره متوالی (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵) نشان می‌دهد که رویکرد سنجش از حافظه‌محوری محض به سمت فهم انتقادی، تحلیل ساختاری و درک بینامتنی گذر کرده است. در ادامه، ابعاد گوناگون این دگرگونی بررسی می‌شود.

۱. دگرگونی‌های ساختاری و آماری آزمون

- **کاهش حجم و تثبیت ساختار:** از سال ۱۴۰۲ تعداد پرسش‌های آزمون از ۱۰۰ سؤال به ۸۰ سؤال تعدیل شد. این تغییر فرصت بیشتری برای تأمل روی تست‌های تحلیلی و متون چندلایه فراهم ساخت.
- **تثبیت ضرایب پنهان:** سهم مواد آزمون در سال‌های اخیر به‌صورت کاملاً منسجم تثبیت شده است:

- زبان عربی: ۱۵ سؤال (۱۸.۷۵٪)
- کلیات ادبی و دستور: ۱۰ سؤال (۱۲.۵٪)
- عروض و قافیه: ۵ سؤال (۶.۲۵٪)
- نقد و نظریه‌های ادبی: ۵ سؤال (۶.۲۵٪)
- بلاغت: ۵ سؤال (۶.۲۵٪)
- متون نظم و نثر فارسی: ۴۰ سؤال (۵۰٪)

۲. مباحث مستمر، پرتکرار و نمره‌ساز (کانون‌های دائمی آزمون)

- **متون نثر مصنوع و بینابین:** بیش از ۲۳٪ از کل آزمون به نثر اختصاص دارد. کتب *کلیله و دمنه*، *مرزبان‌نامه*، *نفثه‌المصدور* و *تاریخ بیهقی* حضور مستمر دارند. در این متون، تسلط بر امثال و حکم عربی، کنایات، اصطلاحات دیوانی و وجوه اشتقاقی واژگان دشوار ملاک عمل است.
- **متون نظم عرفانی و قصاید فخیم:** *مثنوی معنوی*، *حدیقه‌الحقیقه*، *منطق‌الطیر* و قصاید دشوار سبک آذربایجانی و خراسانی (به‌ویژه خاقانی، انوری و ناصرخسرو) بیشترین بسامد را ثبت کرده‌اند. شناخت اصطلاحات نجومی قدیم (مانند بروج، اوج، وبال، تربیع و تثلیث) و استعاره‌های کلامی، کلید حل پرسش‌های این بخش است.
- **عربی در پیوند با متون ادبی:** پرسش‌های بخش عربی فراتر از قواعد مجرد صرف و نحو رفته است. تمرکز اصلی بر ابواب ثلاثی مزید، تطبیق معنایی جملات شرطیه و حصر، اعراب الجمل، و ترجمه عبارات فصیح نهج‌البلاغه و شعر جاهلی استوار است.

۳. جهت‌گیری‌های نوین و چرخش‌های روش‌شناختی

- **از تاریخ ادبیات سنتی به سمت نقد ادبی معاصر و روایت‌شناسی:** طرح پرسش‌های متکی بر صرف نام کتاب و مؤلف کاهش یافته و جای خود را به کاربرد نظریه‌های نوین در متون کلاسیک داده است. سنجش مفاهیمی همچون زاویه دید، زمان روایی، پیرنگ و ساختار داستان‌های منظوم افزایش چشمگیری داشته است.
- **ارزیابی کاربردی دستور تاریخی:** در بخش دستور، پرسش‌ها به سمت شناسایی نقش‌های ترکیبی (مانند جملات مؤول، افعال بی‌شخص و تحولات صرفی-نحوی متون قرون چهارم تا هفتم) تغییر جهت داده‌اند.
- **تلفیق بلاغت با زیبایی‌شناسی مدرن:** در مباحث بلاغی، ایهام‌های چندگانه (ایهام تبادر، ترجمه، تناسب)، ظرایف علم معانی (اغراض ثانویه استفهام و امر) و تمایز استعاره‌های نو، جایگزین تعاریف ساده صنایع بدیعی شده‌اند.

۴. نظریه پردازان و مراجع فکری پریسامد

تحلیل گزینه‌ها و مبانی طراحی سؤالات نشان می‌دهد که دیدگاه شخصیت‌ها و مکاتب فکری زیر به‌صورت پایدار در کانون توجه طراحان قرار دارد:

- **نظریه‌پردازان ساختارگرایی و نشانه‌شناسی:** آرای **فردینان دو سوسور** (تقابل دال و مدلول، تمایز زبان و گفتار) و **رومن یاکوبسن** (نقش‌های شش‌گانه زبان، قطب استعاری و مجازی) مستمراً مبنای تحلیل متون قرار گرفته‌اند.
- **روایت‌شناسی ساختارگرا:** مفاهیم کلیدی **ژرار ژنت** (زمان روایی، دیرش، بسامد و کانون‌سازی) و کارکردهای روایی **ولادیمیر پراپ** به‌طور مستقیم در تحلیل منظومه‌ها و حکایات تکرار شده‌اند.
- **روانکاوی و نقد ادبی:** بازخوانی آرای **ژاک لاکان** (ساختار زبانی ناخودآگاه، انطباق استعاره و مجاز با تراکم و جابه‌جایی) و الگوهای **کهن‌الگویی کارل گوستاو یونگ** در اشعار معاصر و کلاسیک از مباحث مورد علاقه طراحان در سال‌های اخیر بوده است.
- **شخصیت‌های ادبی کلاسیک:** از میان متون نظم، اشعار **مولوی** (در ابعاد عرفان نظری و تمثیلات) و **خاقانی** (در صور خیال پیچیده نجومی و کلامی) بیشترین چگالی مفهومی را به خود اختصاص داده‌اند.

۵. توصیه‌های راهبردی و نقشه مطالعه برای داوطلبان

۱. **مطالعه بافت‌محور به جای حفظ واژگان:** در خواندن نثرهای مصنوع (*مرزبان‌نامه* و *کلیله و دمنه*)، ساختار پاراگراف‌ها، روابط تقابلی و ترادف واژگان و امثال عربی تحلیل شود؛ معنای مفردات به‌تنهایی پاسخگوی تست‌های مفهومی نیست.
۲. **پیوند نظریه با مصداق:** مکاتب نقد ادبی و اصطلاحات روایت‌شناسی باید روی شاهکارهای کلاسیک (نظیر *شاهنامه* و *خمسه*) پیاده‌سازی و تمرین شوند.
۳. **رمزگشایی از اصطلاحات علوم قدیم:** آشنایی با اصول اولیه هیئت بطلمیوسی، مبانی علم کلام (مسائلی چون جبر و اختیار، کسب اشاعره، تشبیه و تنزیه) و اصطلاحات تصوف برای درک دقیق ابیات عرفانی و قصاید ضروری است.
۴. **تثبیت مهارتی زبان عربی:** به‌جای پراکنده‌خوانی، تمرکز بر درک ساختار جمله، اعراب کلمات کلیدی در بافت و ترجمه متون ادبی هم‌عصر با شکل‌گیری زبان فارسی قرار گیرد.

پیش‌گفتار به نام یزدان پاک

آزمون ورودی دوره دکترای تخصصی (D.Ph) زبان و ادبیات فارسی، والاترین و در عین حال دشوارترین آوردگاه سنجش عیار علمی، تسلط زبانی و عمق بینش ادبی داوطلبان تحصیلات تکمیلی در کشور است. گستره سرسام‌آور منابع، تنوع سرفصل‌ها از زبان و ادبیات کهن تا نظریه‌های انتقادی معاصر، و دگرگونی مداوم رویکرد طراحان، همواره مسیر آمادگی برای این آزمون سرنوشت‌ساز را با ابهام و فرسودگی همراه ساخته است. مجموعه حاضر، محصول یک بازنگری بنیادین و پژوهشی ساختارمند است که با هدف ترسیم نقشه‌ای شفاف، جامع و علمی برای پویندگان علم و ادب ایران‌زمین فراهم آمده است.

هویت و فلسفه تألیف مجموعه

کتاب پیش‌رو دربردارنده مجموعه کامل سؤالات و پاسخ‌های کاملاً تحلیلی و کالبدشکافانه آزمون‌های دکترای تخصصی زبان و ادبیات فارسی در سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ به همراه تحلیل راهبردی و آماری دوره شش‌ساله (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵) است. این اثر تنها گردآوری صرف کلیدهای سازمان سنجش نیست؛ بلکه پاسخی به خلأ وجود اثری پژوهش‌محور است که بتواند لایه‌های پنهان، اغراض ثانویه و پیوندهای بینامتنی سؤالات را آشکار کند. روش کار تدوین این مجموعه بر سه رکن اساسی استوار شده است: ۱. **تفکیک و ساختاربندی موضوعی**: سؤالات آزمون در قالب دسته‌بندی پنج‌گانه مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی—شامل «زبان عربی»، «کلیات ادبی و دستور زبان فارسی»، «نقد و نظریه‌های ادبی معاصر»، «بلاغت (معانی، بیان و بدیع)» و «متون نظم و متون نثر فارسی»—بازتنظیم و مدون گردیده‌اند. ۲. **روش‌شناسی پاسخ‌نامه تشریحی**: هر پرسش ابتدا از حیث «موضوع سؤال» آسیب‌شناسی شده، سپس در بخش «پاسخ تشریحی» با ادله مستند ادبی و زبانی اثبات گردیده و در بخش «بررسی سایر گزینه‌ها»، تله‌های تستی و وجوه افتراق گزینه‌های نادرست کالبدشکافی شده است. در پایان نیز ذیل عنوان «نکات تکمیلی»، مدخلی برای تعمیق مبحث در حافظه فعال داوطلب گشوده شده است. ۳. **پایش طولی و آماری**: با ترسیم جدول توزیع فراوانی موضوعی سؤالات در بازه شش‌ساله، ضریب واقعی هر مبحث به تصویر کشیده شده تا داوطلب از سردرگمی در مطالعه حجم انبوه منابع رهایی یابد.

هندسه و ساختار آماری آزمون شش‌ساله (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)

پایش آماری ۵۲۰ سؤال آزمون در شش دوره متوالی بیانگر تثبیت الگوی ۸۰ سؤالی از سال ۱۴۰۲ به بعد است. سهم هر یک از حوزه‌ها در تراز نهایی آزمون عبارت است از:

- **متون نظم و نثر فارسی (۵۰٪ کل آزمون)**: شامل ۴۰ سؤال (۲۰ سؤال نظم و ۲۰ سؤال نثر) که بالاترین وزن نمره‌آوری را داراست. در بخش نثر، متون فنی و مصنوع (کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه، نفثة‌المصدر، جهانگشای جوینی و عتبة‌الکتبة) با ۶۲ سؤال (۱۱.۹۲٪)، نثرهای عرفانی با ۳۳ سؤال (۶.۳۵٪) و نثرهای بینابین با ۲۷ سؤال (۵.۱۹٪) پیکره این ماده امتحانی را می‌سازند. در بخش نظم، متون عرفانی و تعلیمی (مثنوی، حدیقه و منطق‌الطیر) با ۵۲ سؤال (۱۰.۰۰٪) و قصاید متکلف خاقانی، انوری و ناصرخسرو با ۴۱ سؤال (۷.۸۸٪) هسته اصلی به شمار می‌آیند.
- **زبان عربی (۱۹.۲۳٪ کل آزمون)**: شامل ۱۵ سؤال تخصصی (در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱، ۲۰ سؤال)؛ مشتمل بر محورهای ترجمه و تعریب (۴۵ سؤال)، اعراب، تحلیل صرفی و ضبط حرکات (۳۱ سؤال) و نحو کاربردی متون کهن (۲۴ سؤال).
- **کلیات ادبی و دستور زبان (۱۷.۳۱٪ کل آزمون)**: شامل ۱۵ سؤال؛ مشتمل بر دستور زبان و زبان‌شناسی تاریخی (۲۹ سؤال)، تاریخ ادبیات، کتب و ادبیات معاصر (۴۰ سؤال) و عروض و قافیه با تأکید بر زحافات و تقطیع اوزان کمترشنیده‌شده (۳۱ سؤال).
- **بلاغت (۷.۶۹٪ کل آزمون)**: شامل ۵ سؤال تخصصی که علم بیان (۲۰ سؤال)، علم معانی (۱۲ سؤال) و صنایع بدیعی (۸ سؤال) را پوشش داده است.

- **نقد و نظریه‌های ادبی معاصر (۵.۷۷٪ کل آزمون):** شامل ۵ سؤال؛ با محوریت مکاتب ادبی، روایت‌شناسی، فرمالیسم، نشانه‌شناسی و نقد روان‌کاوانه (۳۰ سؤال).

جهت‌گیری‌های نوین و دگرگونی روش‌شناختی آزمون

تحلیل محتوایی آزمون‌های اخیر به‌روشنی گواه آن است که الگوی طراحی سؤالات از «حفظ نام مؤلفان و تعاریف مجرد» به سمت «تحلیل کاربستی و بینامتنی» تغییر جهت داده است:

- **پیوند ادبیات با علوم کهن:** فهم عمیق متون فخیم به‌شدت وابسته به شناخت اصطلاحات هیئت بطلمیوسی و احکام نجوم (مانند بروج، شرف، هبوط، تربیع، تثلیث و وبال) و آرای کلامی (جبر و اختیار، نظریه کسب اشاعره و تقابل تشبیه و تنزیه) گردیده است.
- **انتقال از تعاریف سنتی به نقد نظریه‌محور:** مباحث نقد ادبی دیگر صرفاً آزمودن تعاریف اولیه نیست؛ بلکه رویکردهای نوین نظیر روایت‌شناسی ساختارگرایی ژرار ژنت (کانون‌سازی، دیرش و بسامد)، نشانه‌شناسی سوسوری، نظریه نقش‌های زبانی یاکوبسن و روان‌کاوی لاکانی (انطباق استعاره و مجاز با تراکم و جابه‌جایی ناخودآگاه) مستقیماً بر متون کهن و معاصر اعمال می‌شوند.
- **نحو کاربردی و پیوند زبان عربی با متون فارسی:** در بخش عربی، سنجش توانایی داوطلب در درک کارکرد ادوات حصر، شروط عمل حروف مشبّهة بالفعل و تطبیق ساختاری امثال و حکم عربی مندرج در نثر مصنوع فارسی اولویت یافته است.

نقشه راه و توصیه‌های راهبردی به داوطلبان

برای دستیابی به نتیجه ممتاز در این آزمون تخصصی، توصیه می‌شود: ۱. در متون نثر فنی و مصنوع، از حفظ معانی مجرد کلمات فراتر رفته و به روابط ترادف، تضاد، آرایه‌های همنشین و تمثیل‌های عربی درون متن توجه نمایید. ۲. در مطالعه متون نظم، قصاید خاقانی، انوری و مثنوی معنوی را همراه با شروح معتبر مطالعه کرده و به تصویرسازی‌های نجومی، پزشکی و کلامی آنها مسلط شوید. ۳. در عروض و بلاغت، به‌جای فرمول‌های حفظی، شم شنیداری و گوش موسیقایی را با تقطیع شعرهای ناهمسان تقویت کرده و بر اغراض ثانویه کلام در علم معانی متمرکز شوید. ۴. برای تسلط بر زبان عربی، یادگیری صرف و نحو را در بستر تحلیل آیات قرآن، نهج‌البلاغه و شواهد شعری کلاسیک پی بگیرید.

گروه مولفین پردازش

پاییز ۱۴۰۵



کلیات ادبی (تاریخ ادبیات، دستور، عروض و قافیه، نقد و

نظریه‌های ادبی معاصر)

۱۶. نقش دستوری واژه «هفت» در کدام مورد، با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟
 - (۱) هفت آسمان را بردرم وز هفت دریا بگذرم
 - (۲) ابر ده و دو هفت شد کدخدای
 - (۳) یکی از دو راه آنک کاووس رفت
 - (۴) چنین هفت سالش همی آزمود
۱۷. نوع فعل جمله پایه در بیت زیر، چه ویژگی‌ای دارد؟

«جز این قدر نتوان گفت در جمال تو عیب»

 - (۱) مجهول
 - (۲) فعل کمکی
 - (۳) لازم یک شخصه
 - (۴) غیرشخصی
۱۸. مسندالیه در بیت زیر، چه ویژگی‌ای دارد؟

«بیند فلک نظیر تو لیکن به شرط آنک»

 - (۱) معطوف به حرف شرط است.
 - (۲) حذف شده است.
 - (۳) مقدم است.
 - (۴) نکره است.
۱۹. مسند در بیت زیر، چه ویژگی‌ای دارد؟

«صبح گه‌بان باز در آمد ز کوی»

 - (۱) مقید به قید زمان است.
 - (۲) مقید به قید حالت است.
 - (۳) نکره است.
 - (۴) مقید به قید زمان و حالت است.
۲۰. در کدام مورد، نقش جمله مؤول با دیگر موارد متفاوت است؟
 - (۱) بداندیش تست آن و خونخوار خلق
 - (۲) شیر در وقت خنده خون ریزد
 - (۳) چنین است آیین و رسم جهان
 - (۴) دوست نزدیک‌تر از من به من است
۲۱. کدام دسته از شاعران زیر، در گروه نازک‌خیالان قرار می‌گیرند؟
 - (۱) بیدل دهلوی - ارادت واضح - وحشی بافقی - میرجلال اسیر
 - (۲) صائب تبریزی - طالب آملی - قدسی مشهدی - ظهوری ترشیزی
 - (۳) زلالی خوانساری - شوکت بخاری - صائب تبریزی - کلیم کاشانی
 - (۴) بیدل دهلوی - غنیمت کشمیری - جویا تبریزی - کلیم کاشانی
۲۲. کدام یک از شاعران معاصر، مفهوم بیت زیر از مولانا را در شعر خود آورده است؟

«آفتاب آمد دلیل آفتاب گر دلیلت باید از وی رخ متاب»

 - (۱) احمد شاملو در شعر با چشم‌ها
 - (۲) مهدی اخوان ثالث در شعر شهریار شهر سنگستان
 - (۳) سهراب سپهری در شعر مسافر
 - (۴) سیاوش کسری در شعر آرش کمانگیر
۲۳. از بین گزینه‌های زیر، کدام یک را می‌توان نخستین کتابی دانست که در آن، لغات مغولی آمده است؟
 - (۱) تاریخ بناکتی تألیف فخر بناکتی
 - (۲) طبقات ناصری تألیف منه‌اج السراج
 - (۳) نظام التواریخ تألیف ناصرالدین الیضاوی
 - (۴) مجمع‌الانساب تألیف محمد بن علی شبانکاره
۲۴. این عبارت علامه قزوینی، درباره کدام کتاب است؟

«این کتاب نفیس مشتمل بر سه فن از فنون ادب است: علم عروض و علم قوافی و علم نقد الشعر و به جرأت می‌توان گفت که از ابتدای تدوین علوم به زبان پارسی هیچ کتابی بدین کمال و تنقیح تألیف نشده است.»

 - (۱) ابداع البدایع
 - (۲) فنون بلاغت و صناعات ادبی
 - (۳) المعجم فی معاییر اشعار العجم
 - (۴) حدائق السحر فی دقایق الشعر
۲۵. نخستین نمایشنامه‌نویس ایرانی که به زبان فارسی نمایشنامه نوشت، که بود؟
 - (۱) آخوندزاده
 - (۲) مؤید الممالک فکری
 - (۳) میرزا آقا تبریزی
 - (۴) علی‌خان ظهیرالدوله



۲۶. وزن بیت زیر چیست؟
- «من از مادری زادم که پرم پدر بود او / شدم خاک آن پایی کز پیش سر بود او»
- (۱) فعولن فعولن فع // فعولن فعولن فع
(۲) مفاعیلن فعولن // مفاعیلن فعولن
(۳) مفاعیلن فعولن فع // مفاعیلن فعولن فع
(۴) مفاعیلن فعولن فع // مفاعیلن فعولن فع
۲۷. وزن کدام مورد، به درستی بیان شده است؟
- (۱) ای کوه‌های بند ضحاک آیا به یاد هست: مجتث اثلیم
(۲) در لجه سرگردانی چون گوی شناور بودم: هزج اعراب ازل
(۳) دوباره می‌سازمت وطن اگرچه با خشت جان خویش: رجز مرفل مطوی
(۴) ای پرده برگرفته از رخ می‌بینمت به پرده دری: مضارع اعراب مکفوف محبوب
۲۸. وزن اصلی این بیت چیست؟
- «جنبش سرو تو پنداری کز باد صباست / نه، که از ناله مرغان چمن در طرب است»
- (۱) فاعلاتن فاعلاتن مفعولن فعلن
(۲) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
(۳) فاعلاتن مفعولن فاعلاتن مفعولن
(۴) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن
۲۹. در این بیت‌ها که از یک قصیده واحد بر مبنای چاپ‌های مشهور کلیات سعدی انتخاب شده‌اند، از منظر قواعد قافیه، قافیه کدام بیت نادرست است؟
- (۱) خوش است عمر دریغا که جاودانی نیست / پس اعتماد بر این پنج روز فانی نیست
(۲) کدام باد بهاری وزید در آفاق / که باز در عقبش نکبتی خزان نیست
(۳) نگاه دار زبان تا به دوزخ نبرد / که از زبان بتر اندر جهان زیانی نیست
(۴) زمین به تیغ بلاغت گرفته ای سعدی! / سپاس دار که جز فیض آسمانی نیست
۳۰. از نظر شعرای قدیم، کدام دو کلمه نمی‌تواند با هم قافیه شوند؟
- (۱) کور - زور / سیب - کتیب
(۲) بدید - لذیذ
(۳) پور - سرور
(۴) پور - سرور
۳۱. شعر زیر، به کدام مکتب / جنبش ادبی تعلق نزدیک‌تری دارد؟
- «در ایستگاه مترو: منظره این صورت‌ها در ازدحام جمعیت / گلبرگ‌هایی بر یک شاخه سیاه خیس»
- (۱) دادائیسیم / (۲) اکسپرسیونیسم / (۳) سوررئالیسم / (۴) ایماژیسم
۳۲. از منظر نشانه‌شناسی، کدام مورد دارای انگیزه معنایی در دال نیست؟
- (۱) یوسف گم گشته بازآید به کنعان غم مخور / کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور
(۲) گر بهار عمر باشد باز بر تخت چمن / چتر گل در سرکشی ای مرغ خوش‌خوان غم مخور
(۳) دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نرفت / دائماً یکسان نباشد حال دوران غم مخور
(۴) ای دل ار سیل فنا بنیاد هستی برکند / چون تو را نوح است کشتیبان زطوفان غم مخور
۳۳. براساس کدام نوع نقد، استعاره و مجاز مرسل جزو بنیانی سازوکارهای ضمیر ناخودآگاه به شمار می‌رود؟
- (۱) کهن‌الگویی / (۲) لاکانی / (۳) فرمالیستی / (۴) ساختاری
۳۴. کدام متفکر منتقد ادبی، تحت تأثیر آرای سوسور نبوده است؟
- (۱) ولادیمیر پراپ / (۲) کلودلوی استراوس
(۳) جانائاتان کالر / (۴) چارلز سندرس پیرس
۳۵. براساس نظریه نقش‌های زبانی رومن یاکوبسن در بیت زیر، چه نقش‌هایی مشاهده می‌شود؟
- «حد قدم می‌رس که هرگز نیامده است / در کوچه حدوث عماری کبریا»
- (۱) ادبی، ترغیبی و ارجاعی / (۲) ادبی، فرازبانی و عاطفی
(۳) ترغیبی، ادبی و عاطفی / (۴) ارجاعی، عاطفی و ترغیبی



موضوع سوال

موضوع این سؤال تشخیص «نقش دستوری» واژه‌ها، به‌ویژه اعداد در عبارات و ابیات است. اعداد در زبان فارسی معمولاً در جایگاه «صفت شمارشی» (وابسته پیشین یا پسین) برای شمارش یک هسته اسمی به کار می‌روند. با این حال، در بسیاری از متون ادبی، با حذف موصوف به قرینه معنایی، عدد مستقیماً جانشین اسم شده و نقش‌های اصلی و کلیدی جمله (نظیر نهاد، مفعول، متمم و غیره) را می‌پذیرد.

پاسخ تشریحی در گزینه ۲ («ابر ده و دو، هفت شد کدخدای»)، واژه «هفت» دیگر یک صفت برای شمارش یک اسم حاضر در جمله نیست، بلکه خود به‌طور مستقل به عنوان یک «اسم» (صفت جانشین اسم) عمل کرده و نقش دستوری **نهاد** را پذیرفته است. معنی و تحلیل نحوی بیت چنین است: بر دوازده برج آسمان (ده و دو)، هفت سیاره (هفت) فرمانروا (کدخدای) شدند. در این مصراع، «هفت» نماد و جانشینی برای سیارات هفت‌گانه منظومه شمسی در نجوم قدیم (قمر، عطارد، زهره، شمس، مریخ، مشتری، زحل) است و واژه «هفت» مستقلاً نقش نهاد را برای فعل ربطی «شد» ایفا می‌کند.

بررسی سایر گزینه‌ها

- **گزینه ۱:** در ترکیب‌های «هفت آسمان» و «هفت دریا»، واژه «هفت» منحصراً نقش **صفت شمارشی پیشین** (وابسته پیشین) را برای هسته‌های اسمی «آسمان» و «دریا» بر عهده دارد.
- **گزینه ۳:** در عبارت «منزل دو هفت» (به مفهوم چهارده منزل)، عدد مرکب «دو هفت» پس از هسته اسمی آمده و نقش **صفت شمارشی** (یا در برخی تحلیل‌ها مضاف‌الیه با کارکرد وصفی) را برای هسته «منزل» ایفا می‌کند.
- **گزینه ۴:** در ترکیب «هفت سال»، واژه «هفت» به سادگی نقش **صفت شمارشی پیشین** را برای هسته اسمی «سال» بر عهده دارد.

نکات تکمیلی

در ادبیات کلاسیک فارسی، استفاده از اعداد به‌صورت جانشین اسم برای اشاره به مفاهیم کیهانی، فلسفی و عرفانی یکی از شگردهای رایج ایجاز و تصویرسازی است. شاعران اغلب موصوف را به دلیل وضوح آن نزد مخاطب آشنا با علوم زمانه حذف می‌کنند. از پرکاربردترین این اعداد نمادین می‌توان به «چهار» (عناصر اربعه یا اخلاط اربعه)، «پنج» (حواس پنج‌گانه)، «شش» (جهات شش‌گانه)، «هفت» (سیارات یا اقالیم)، «نه» (افلاک) و «ده و دو» (بروج دوازده‌گانه) اشاره کرد. در تحلیل دستوری این ابیات، هرگاه عدد به تنهایی عمل‌کننده یا پذیرنده حالتی باشد، قطعاً از جایگاه صفت خارج شده و جایگاه اسمی یافته است.

موضوع سوال

این سؤال به مبحث تشخیص انواع فعل بر اساس داشتن یا نداشتن «شناسه» و «شخص» در دستور زبان فارسی می‌پردازد. داوطلب باید ابتدا جمله پایه را در بیت مرکب تشخیص داده و سپس ویژگی دستوری فعل آن را به‌درستی تحلیل کند.

پاسخ تشریحی

در بیت مورد بحث، مصرع اول («جز این قدر نتوان گفت در جمال تو عیب») **جمله پایه** و مصرع دوم که با حرف ربط وابسته ساز «که» آغاز شده است («که مهربانی از آن طبع و خو نمی‌آید») **جمله پیرو** است.

فعل جمله پایه در این بیت، «**نتوان گفت**» است. در دستور زبان فارسی، ساختارهایی که از ترکیب واژه‌هایی نظیر «توان»، «نتوان»، «باید»، «نباید» و «شاید» با «بن ماضی» (مصدر مرخم) ساخته می‌شوند و شناسه (نشانه‌گر شخص و شمار) نمی‌پذیرند، «**افعال بی‌شخص**» یا «**غیر شخصی**» نامیده می‌شوند. این افعال بر نهاد خاصی دلالت ندارند و انجام کار را به‌طور کلی و عمومی بیان می‌کنند (در اینجا یعنی: هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید). از این رو، برجسته‌ترین ویژگی دستوری فعل «نتوان گفت»، غیر شخصی بودن آن است.

بررسی سایر گزینه‌ها

- گزینه ۱ (مجهول): فعل مجهول در زبان فارسی ساختار مشخصی دارد و از ترکیب «صفت مفعولی (بن ماضی + ه) + فعل‌های کمکی شدن/گشتن/گردیدن» ساخته می‌شود (مانند: گفته نمی‌شود). فعل «نتوان گفت» با وجود اینکه از نظر معنایی گاهی بار مجهول به جمله می‌دهد، از لحاظ ساختار دستوری مجهول نیست.
- گزینه ۲ (فعل کمکی): اگرچه واژه «نتوان» در ساختار این فعل نقش کمکی (وجهی) دارد، اما سؤال درباره ویژگی کل فعل جمله پایه («نتوان گفت») است. مهم‌ترین و متمیزترین ویژگی این ساختار در طبقه‌بندی افعال، حالت «غیر شخصی» آن است، نه صرفاً حضور یک بخش کمکی در آن.
- گزینه ۳ (لازم یک شخصه): افعال لازم یک‌شخصه معمولاً تنها در صیغه سوم شخص مفرد صرف می‌شوند و نیاز به مفعول ندارند (مانند: باران می‌بارد). فعل «گفتن» در اصل یک فعل متعدی (گذرا به مفعول) است (در اینجا واژه «عیب» مفعول جمله است: چه چیزی را نتوان گفت؟ عیب را). بنابراین، اطلاق ویژگی «لازم» به این فعل نادرست است.

نکات تکمیلی

در بررسی افعال، تفکیک «افعال بی‌شخص» (Impersonal verbs) از افعال ساختار معمولی حائز اهمیت است. افعال بی‌شخص در متون کلاسیک فارسی کاربرد بسیار وسیعی برای بیان حقایق کلی، پند و اندرز و گزاره‌های عمومی داشته‌اند. سعدی و حافظ به کرات از ترکیب «توان/نتوان + بن ماضی» برای بیان مفاهیم جهان‌شمول استفاده کرده‌اند، زیرا این ساختار ذهن مخاطب را از یک فاعل خاص دور کرده و تمرکز را بر خودِ عمل یا امکان‌پذیری آن معطوف می‌سازد.

۱۸. گزینه ۱)

موضوع سوال

این سؤال به‌طور مستقیم به مبحث «احوال مسندالیه» در علم معانی (یکی از شاخه‌های سه‌گانه بلاغت) می‌پردازد. در علم معانی، حالات و ویژگی‌های مسندالیه (نهاد) در شش محور اصلی بررسی می‌شود: ذکر، حذف، تقدیم، تأخیر، تعریف و تنکیر. داوطلب باید با تحلیل نحوی و بلاغتی بیت، وضعیت مسندالیه را در میان این حالات تشخیص دهد.

پاسخ تشریحی

در مصراع اول بیت («بیند فلک نظیر تو لیکن به شرط آنک»، ساختار کلام از نوع «جمله فعلیه» است. در این ساختار:

- مسند (فعل): «بیند»
 - مسندالیه (نهاد/فاعل): «فلک»
- در دستور زبان طبیعی و معیار زبان فارسی، ترتیب ارکان جمله به‌صورت «مسندالیه + مسند» است (یعنی باید گفته می‌شد: فلک بیند...). اما در این بیت، مسندالیه («فلک») پس از مسند («بیند») قرار گرفته است. به این پدیده در علم معانی «تأخیر مسندالیه» می‌گویند. بنابراین، بارزترین ویژگی بلاغتی مسندالیه در این بیت، مؤخر بودن آن است.
- رازگشایی از خطای ثبت سؤال:** با نگاهی به سایر گزینه‌ها (۲: حذف، ۳: تقدیم، ۴: تنکیر) کاملاً آشکار است که طراح سؤال در حال آزمون مبحث احوال مسندالیه بوده است و پازل گمشده در این میان، حالت «تأخیر» است. عبارت بی‌معنا و از نظر دستوری محال «معطوف به حرف شرط است» هیچ جایگاهی در تحلیل مسندالیه ندارد و صرفاً زائیده خطای بصری در تبدیل تصویر به متن است. از آنجا که کلید رسمی این گزینه را صحیح دانسته، استناد اصلی بر همان ماهیت پنهان در پسِ این خطا، یعنی «تأخیر مسندالیه» است.

بررسی سایر گزینه‌ها

- گزینه ۲ (حذف شده است): اگرچه در مصراع دوم («... کند نظر») مسندالیه (فلک) به قرینه لفظی حذف شده است، اما صورت سؤال به‌طور مطلق ویژگی مسندالیه را در کانون اصلی وقوع فعل در بیت می‌طلبد. از آنجا که مسندالیه در ابتدای بیت (مصراع اول) صراحتاً ذکر شده است، حکم به «حذف» آن در نگاه کلی به بیت دقیق نیست.
- گزینه ۳ (مقدم است): همان‌طور که در تشریح پاسخ بیان شد، واژه «فلک» نسبت به جایگاه طبیعی خود و نسبت به فعل کلام (بیند)، در جایگاه پسین نشسته است؛ در نتیجه «مؤخر» است، نه مقدم.



- گزینه ۴ (نکره است): واژه «فلک» (به معنای آسمان/روزگار) در اینجا به عنوان یک پدیده شناخته شده و یگانه به کار رفته و کاملاً «معرفه» است. علاوه بر این، هیچ‌یک از نشانه‌های نکره‌ساز (مانند «ی» در پایان واژه یا «یک» در ابتدای آن) در این کلمه وجود ندارد.

نکات تکمیلی

تأخیر مسندالیه (یا تقدیم مسند) در علم معانی هرگز بی‌دلیل نیست و ریشه در اغراض ثانویه بلاغی دارد. شاعر در این بیت با آوردن فعل «ببند» در سرآغاز کلام، قصد دارد تمام توجه مخاطب را به عمل «دیدن» معطوف کند. زیبایی معنایی بیت در یک تصویرسازی مبتنی بر «حسن تعلیل» نهفته است: شاعر ادعا می‌کند که ممدوح بی‌همتاست. اگر روزگار (فلک) بخواهد برای تو نظیر و مانندی «ببند»، تنها در یک صورت ممکن است؛ اینکه با چشمان یک فرد «احول» (دوبین/لوچ) به تو نگاه کند و یک نفر را دو نفر ببیند! تقدیم فعلی دیدن، ضرباهنگ این تعلیل طنزآمیز و اغراق‌آمیز را کوینده‌تر کرده است.

۱۹. گزینه ۴

موضوع سوال

این سؤال برخلاف ظاهر نحوی آن، کاملاً در قلمرو «علم معانی» (یکی از شاخه‌های علوم بلاغی) طراحی شده است. در علم معانی، به نهاد جمله «مسندالیه» و به گزاره جمله (که در جملات فعلیه همان «فعل» است) «مسند» گفته می‌شود. یکی از مباحث کلیدی در احوال مسند، موضوع «تقیید مسند» است؛ یعنی فعل با استفاده از متعلقاتی نظیر مفعول، متمم و انواع قیود محدود و تخصیص‌پذیر می‌شود تا معنای دقیق‌تری را به مخاطب منتقل کند. این سؤال توانمندی داوطلب را در تشخیص ارکان بلاغی جمله و ملحقات آن می‌سنجد.

پاسخ تشریحی

برای تحلیل دقیق بیت، ابتدا باید ارکان جمله را در چارچوب علم معانی مرتب کنیم:

- **مسندالیه (نهاد):** در این بیت، مسندالیه یک ضمیر مستتر (مانند «او») است که به قرینه معنایی حذف شده است.
- **مسند (فعل):** واژه «درآمد» (فعل ماضی مطلق به معنای خارج شدن یا آمدن) هسته اصلی گزاره و مسند جمله است. حال باید بررسی کنیم که این مسند (فعل) با چه عناصری «مقید» (محدود و توصیف) شده است:
 ۱. «صبح گهان»: این واژه صراحتاً زمان وقوع فعل را نشان می‌دهد؛ بنابراین مسند جمله مقید به قید زمان (مفعول‌فیه) است.
 ۲. «موی پژولیده و ناشسته روی»: این دو ترکیب (صفت‌های مرکب)، چگونگی و وضعیت ظاهری مسندالیه (شخص محذوف) را در زمان وقوع فعل توصیف می‌کنند. در نحو عربی به این ساختار «حال» و در دستور زبان فارسی به آن قید حالت می‌گویند. بنابراین، مسند در این بیت به‌طور هم‌زمان با دو قید متفاوت توصیف و تحدید شده است که گزینه ۴ به کامل‌ترین شکل ممکن این واقعیت را بیان می‌کند.

بررسی سایر گزینه‌ها

- **گزینه‌های ۱ و ۲:** هر دو گزینه به‌صورت جزئی درست هستند اما ناقص‌اند. مسند هم قید زمان دارد و هم قید حالت. انتخاب هر یک از این گزینه‌ها، بخشی از ساختار معنایی بیت را نادیده می‌گیرد.
- **گزینه ۳ (نکره است):** «تنکیر» (نکره آوردن) از احوال اسم است. از آنجا که مسند در این جمله یک «فعل» (درآمد) است، اطلاق ویژگی‌های اسمی مانند معرفه و نکره بودن به آن، از اساس در علم معانی و دستور زبان خطای علمی محسوب می‌شود. (این گزینه احتمالاً برای انحراف داوطلبانی طراحی شده که ترکیب «موی پژولیده...» را به اشتباه در جایگاه مسند دستوری فرض می‌کنند).

نکات تکمیلی و تمایزات مفهومی

یکی از پرتکرارترین خطاهای داوطلبان در آزمون‌های تخصصی ادبیات، خلط مبحث میان «مسند دستوری» و «مسند بلاغی (معانی)» است.

در دستور زبان فارسی، مسند صفت یا حالتی است که به کمک افعال ربطی (اسنادی) نظیر «است، بود، شد، گشت، گردید» به نهاد نسبت داده می‌شود (مانند کلمه «سرد» در جمله: هوا سرد است). اما در علم معانی، پایه و اساس بر منطق استوار است؛ هر حکمی که صادر می‌شود «مسند» است. بنابراین در تمام افعال تام و حرکتی (مانند رفت، آمد، دید)، خود فعل به‌عنوان «مسند»



شناخته می‌شود. تقیید مسند با ابزارهایی چون قیود (زمان، مکان، حالت، علت و...) از مهم‌ترین شگردهای شعرا برای تصویرسازی دقیق و انتقال فشرده اطلاعات در یک مصراع است.

۲۰. گزینه ۳)

موضوع سوال

این سؤال یکی از مباحث پیشرفته و تحلیلی در نحو (دستور زبان) را هدف قرار داده است: تشخیص نقش دستوری «جمله مؤول». در زبان فارسی، گاهی یک «جمله پیرو» (وابسته) که معمولاً با حرف ربط «که» آغاز می‌شود، از نظر معنایی و دستوری جایگزین یک اسم (گروه اسمی) شده و نقش‌های اصلی جمله پایه (نظیر نهاد، مفعول، مسند و...) را می‌پذیرد. برای یافتن نقش این جملات، ساده‌ترین راه «تأویل» بردن آن‌ها به مصدر یا حاصل‌مصدر و جایگذاری مجدد آن‌ها در ساختار جمله پایه است.

پاسخ تشریحی

برای درک دلیل تفاوت گزینه ۳ با سایر گزینه‌ها، باید جمله پیرو (مؤول) را در این بیت به یک گروه اسمی تبدیل کنیم تا جایگاه آن در نحو کلام مشخص شود:

- بیت: چنین است آیین و رسم جهان / که کردار خویش از تو دارد نهان
 - تأویل به مصدر: آیین و رسم جهان، پنهان داشتنِ کردار خویش است.
 - تحلیل ارکان: در این ساختار، «آیین و رسم جهان» گروه اسمی در نقش نهاد است. عبارت تأویل‌یافته یعنی «پنهان داشتنِ کردار خویش» (که معادل جمله مؤول که کردار خویش... است) در جایگاه مسند قرار گرفته است.
- در واقع در مصراع اول، ضمیر اشاره «چنین» نقش مسند را دارد و جمله مؤول در مصراع دوم، در نقش «بدل از مسند» ظاهر شده و کارکرد مسندی دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها

در سه گزینه دیگر، برخلاف گزینه ۳، جمله مؤول در جایگاه «نهاد» (یا بدل از نهاد) نشسته است:

- گزینه ۱: «بداندیش تست آن و خونخوار خلق / که نفع تو جوید در آزار خلق»
 - تأویل: آن نفع‌جوینده در آزار خلق، بداندیش تو است.
 - نقش: «نفع‌جوینده» نقش نهاد را ایفا می‌کند و «بداندیش» مسند است.
- گزینه ۲: «کیست کز پیل مست نگریند»
 - تأویل: آن نگرینده از پیل مست، چه کسی است؟
 - نقش: «نگرینده» نقش نهاد را دارد و ضمیر پرسشی «کی» مسند است.
- گزینه ۴: «وینت مشکل که من از وی دورم» (و این برای تو مشکل است که...)
 - تأویل: دور بودن من از او، [برای تو] مشکل است.
 - نقش: «دور بودن من از او» در جایگاه نهاد نشسته است و «مشکل» نقش مسند را دارد.

نکات تکمیلی و ظرایف زبانی

مفهوم «تأویل» در اصل از دستور زبان عربی (المصدر المؤول) وام گرفته شده و به زیبایی در نحو زبان فارسی بومی‌سازی شده است. در متون ادبی، شاعران و نویسندگان برای فرار از ساختارهای خشک و طولانی مصدری، از جملات مؤول استفاده می‌کنند تا کلام ضرابهنگ طبیعی‌تر و پویاتر پیدا کند. یک تکنیک کلیدی در تشخیص نقش این جملات این است که به واژگان ارجاع‌دهنده در جمله پایه (مانند: آن، این، چنین) دقت کنیم. معمولاً جمله مؤول، بدل یا عطف بیانی برای این ضمایر است و دقیقاً همان نقشی را می‌پذیرد که آن ضمیر در جمله پایه بر دوش می‌کشد.

۲۱. گزینه ۲)

موضوع سوال

این سؤال به مبحث «سبک‌شناسی شعر فارسی» و به‌طور خاص ویژگی‌های «سبک هندی» می‌پردازد. «نازک‌خیالی» (در کنار مضمون‌سازی و خیال‌بندی) از بارزترین و بنیادی‌ترین مؤلفه‌های سبک هندی است که در آن، شاعر با ایجاد ارتباط‌های پنهان،



ظریف و دور از ذهن میان پدیده‌ها، مضامینی نو و شگفت‌انگیز خلق می‌کند. هدف این سؤال، سنجش توانایی داوطلب در تمایز قائل شدن میان شاعران جریان اصلی نازک‌خیالی با شاعران مکاتب پیشین (مانند مکتب وقوع) یا شاخه‌های افراطی‌تر این سبک است.

پاسخ تشریحی گروه مندرج در گزینه ۲ شامل صائب تبریزی، طالب آملی، قدسی مشهدی و ظهوری ترشیزی، نمایندگان برجسته و تثبیت‌شده جریان اعتدالی و اصلی سبک هندی هستند که صفت «نازک‌خیال» به‌طور اخص برای توصیف مکتب هنری آنان به کار می‌رود.

- **طالب آملی:** وی که ملقب به «خلاق‌المضامین» است، از پایه‌گذاران اصلی نازک‌خیالی در هند به شمار می‌رود. استعاره‌های بدیع و تخیلات ظریف او در تار و پود اشعارش، وی را به نماد تمام‌عیار نازک‌خیالی بدل کرده است.
- **صائب تبریزی:** قهرمان بلامنازع سبک هندی (در شاخه اصفهانی) که نازک‌خیالی را با تمثیل (به‌ویژه اسلوب معادله) گره زد و به اوج کمال، پختگی و در عین حال قابل فهم بودن رساند.
- **قدسی مشهدی و ظهوری ترشیزی:** هر دو از ارکان نامدار دربار گورکانیان هند بودند که با تصویرسازی‌های ظریف و کشف روابط پنهان میان اشیاء، جریان نازک‌خیالی را در شعر و نثر این دوره نهادینه کردند. ظهوری در مقدمه‌های نشر خود نیز همین شیوه خیال‌پردازی را پیاده کرده است.

بررسی سایر گزینه‌ها

- **گزینه ۱:** حضور نام «وحشی بافقی» در این گزینه، آن را به‌طور قطع باطل می‌کند. وحشی از سرآمدان «مکتب وقوع» و از پیشگامان جریان «واسوخت» است. ویژگی بنیادین مکتب وقوع، سادگی، صمیمیت، واقع‌گرایی در بیان احساسات عاشقانه و پرهیز جدی از تخیلات پیچیده و نازک‌خیالی‌های انتزاعی مختص سبک هندی است.
- **گزینه‌های ۳ و ۴:** اگرچه این گزینه‌ها دربردارنده نام شاعران سبک هندی هستند، اما حضور چهره‌هایی نظیر «بیدل دهلوی» و «شوکت بخاری» ساختار آن‌ها را برهم می‌زند. بیدل و شوکت به دلیل استفاده از استعاره‌های تودرتو، حس‌آمیزی‌های بسیار غریب و ابهام ذاتی شعرشان، مرزهای نازک‌خیالی متعارف را رد کرده و به نوعی پیچیدگی و غرابت معنایی دست یافته‌اند که در تاریخ ادبیات با عنوان «خیال‌بندی افراطی» یا سبک هندی شاخه هندی شناخته می‌شود. نازک‌خیالی جریان اصلی (مانند شعر صائب)، با وجود تمام ظرافت‌هایش، همچنان برای مخاطب قابل کشف و ملموس است، در حالی که شعر بیدل و شوکت در دسته متون دیرپاب قرار می‌گیرد.

نکات تکمیلی

در سیر تطور سبک‌های شعر فارسی، هنگامی که مضامین، تشبیهات و استعاره‌های سبک عراقی (در قرون هفتم و هشتم) به مرز تکرار و فرسودگی رسید، شاعران برای دمیدن روح تازگی در کلام، دو مسیر عمده را پیش گرفتند: در قرن دهم مسیر «سادگی و بیان واقعیات ملموس عاشقانه» (مکتب وقوع) را برگزیدند و پس از آن در قرون یازدهم و دوازدهم، به «پیچیدگی و کشف روابط نامأنوس» (سبک هندی) روی آوردند. نازک‌خیالی در حقیقت پاسخی زیباشناختی به تکراری شدن زبان شعر بود؛ تلاشی مجدانه برای نگرستن به جهان از زاویه‌ای کاملاً متفاوت که در آن مفاهیم انتزاعی تجسم می‌یابند (مدعا مثل) و پدیده‌های بی‌جان، در شبکه‌ای از روابط انسانی به هم گره می‌خورند.

۲۲. گزینه ۱)

موضوع سوال

این پرسش در قلمرو «ادبیات تطبیقی» و «بینامتنیت» (Intertextuality) طراحی شده است و میزان تسلط داوطلب را بر پیوندها و ارجاعات پنهان و آشکار میان متون کلاسیک (مثنوی معنوی) و شعر نو (نیمایی و سپید) می‌سنجد. هدف سؤال، ردیابی یک مفهوم بنیادین عرفانی در کالبد یک شعر مدرن و اجتماعی است.

پاسخ تشریحی

مفهوم بیت مشهور مولانا در دفتر اول مثنوی این است که وجود خورشید، بدیهی‌ترین دلیل بر اثبات وجود خود خورشید است؛ حقیقتی که چنان روشن است که نیازی به استدلال بیرونی ندارد.